



# اصفہا فلسفے مکتبہ

نخستین ہمایش بین المللی

مجموعہ مقالات برگزیدہ

جلد اول

## بسم الله الرحمن الرحيم

**مکتب فلسفی اصفهان** اصطلاحی مستحدث نزد پژوهشگران عرصه‌ی مطالعات سنت حکمی و عرفانی عالم اسلام است. حکیمان حوزه‌ی اصفهان به خوبی نشان دادند که استمرار واقعی این سنت و انتقال روح آن از عصر فارابی و ابن سینا به بعد، نه از مجرای چهره‌هایی مانند ابن‌رشد اندلسی، که از طریق حکمایی مانند میرداماد، مؤسس مکتب اصفهان میسور است؛ و این طریقی بود که پیشتر به همت حکیمان و عارفانی مانند شیخ اشراق، ابن عربی، خواجه طوسی، ابن‌ترکه اصفهانی، سید حیدر آملی، ابن‌ابی‌جمهور احسایی و اعظم حوزه‌ی شیراز هموار شده بود.

نشاط فکری، رونق حوزه‌های درسی، جامعیت، تلفیق مشارب گوناگون فکری در عین خلاقیت و نوآوری، جمع میان عقلانیت و معنویت، پاسخ‌گویی به پرسش‌های روز و مهم‌تر از همه عرضه‌ی آموزه‌هایی برآمده از روح و باور شیعی، رویداد بزرگی بود که حاصل آن به تعبیر برخی از محققان معاصر **حکمت معنوی تشیع** است. این شیوه‌ی نوین فکری، توجهی ویژه به متن قرآن کریم و روایات و ادعیه‌ی مأثوره از پیشوایان دین داشت که با بهره‌گیری از تأویل توانست خلاء موجود در حکمت اسلامی دوران پیش از خود را به خوبی جبران کند.

حوزه‌ی فلسفی اصفهان، سایر مشارب فلسفی قدما را نیز در بطن خود حفظ و بازسازی کرد و حتی با توانی بیش از قبل، ضامن تداوم آن‌ها شد. از باب نمونه، بیشترین حواشی و تعلیقات بر شفا‌ی شیخ‌الرئیس در همین دوران نگاشته شد؛ متون حکمت اشراق به نحو گسترده شرح و تدریس می‌شد، و عرفان ابن‌عربی نیز همچنان رواج و تداوم داشت. افزون بر این، حکیمان متأله این حوزه، این توفیق را نیز داشتند که مکتب اخلاقی-عرفانی تشیع را قوام بخشیده و به تربیت نفوس و ارتقای معنوی اهل سلوک همت گمارند.

گفتنی است اصطلاح **مکتب فلسفی اصفهان** به جریان خاصی از حکمای اصفهان اطلاق نمی‌شود. در درون این مکتب، افزون بر حوزه‌ی میرداماد و شاگردانش که به **حکمت یمانی** نیز شهرت یافت، **حکمت ایمانی** یعنی طریق خاص فکری و عملی شیخ بهایی، **حکمت تطبیقی** که بر مدار آرای حکمی میرفندرسکی استوار شد، **حکمت متعالیه** صدرایی و بالاخره **حکمت تنزیهی** مالرجبعلی تبریزی نیز جای می‌گیرند.

آنچه از مآثر حکیمان متأله آن عصر طلایی در دوران صفویه از سده یازدهم هجری به بعد بر جای مانده است، مجموعه‌ای گرانسنگ از معارف حکمی به شمار می‌رود که از حیث کمی و کیفی با هیچ دوره‌ای از ادوار و حوزه‌های از حوزه‌های فرهنگ کهن اسلامی ایران، پیش و پس از آن، قابل مقایسه نیست.

بر بخش بزرگی از این میراث عظیم فکری و معنوی، با گذشت سه- چهار سده، همچنان گرد غربت در کتابخانه‌های شخصی و عمومی نشسته است. آیا جای این پرسش نیست که حتی فهم صحیح حکمت صدرایی - که مشهورتر از سایر مشارب حکمی حوزه اصفهان است- جز با آگاهی بر فعالیت‌های فلسفی زمانه‌ی او و چالش‌های میان او با سایر مکاتب و جریان‌ها چگونه ممکن است؟ نیز چگونه می‌توان به طرح حکمت و فلسفه‌ای زنده، مؤثر و تحرک‌زا در ایران برای مواجهه با مقتضیات عالم معاصر، جز با اِشراف بر آثار و مآثر فلسفی آن عهد باشکوه، توفیق یافت؟

در چند دهه‌ی گذشته استادان و محققانی از جمله شادروان استاد سید جلال‌الدین آشتیانی به پیشنهاد اسلام‌شناس فقید فرانسوی هانری کرین در جهت معرفی آثار حکمای شیعی عصر صفوی به چاپ و انتشار نمونه‌هایی از متون حکمی و عرفانی حکمای اصفهان از میرداماد و میرفندرسکی تا بیدآبادی و نراقی در چهار مجلد مبادرت نمودند. چند سال پیش نیز در همایش بین‌المللی «از اصفهان تا قرطبه» پاره‌ای از متون حکمای اصفهان چاپ و منتشر شد. با وجود این، ثلث آثار حکمی به جای مانده از حکیمان اصفهان نیز هنوز چاپ نشده است؛ از این‌رو به نظر می‌رسید که بهانه‌ی گردهمایی بین‌المللی، می‌تواند زمینه‌ی مناسبی را برای اِیحای آثار این بزرگان فراهم آورد و برای نخستین‌بار به گونه‌ای مستقیم و با محوریت کتب و آثار حکیمان اصفهان عصر صفوی به نشر آن‌ها مبادرت نمود.

پس از اعلام فراخوان **همایش بین‌المللی مکتب فلسفی اصفهان** و آغاز به کار دبیرخانه و کمیته-ی علمی همایش، نخست دست به کاربرسی مقالات رسیده شدیم. این مقالات در سه سطح استادان، دانشجویان و همکاری استاد و دانشجو ارائه گردید که تمامی آن‌ها توسط داوران محترم ارزیابی و پس از تایید نهایی جهت چاپ و انتشار در مجموعه مقالات همایش آماده شد. فهرست مجموعه مقالات همایش بر اساس حروف الفبای نام خانوادگی نویسندگان تنظیم شد و نمایه‌ای نیز بر پایه‌ی حروف الفبای موضوعات مقالات در آخر مجموعه افزوده شد. از آن‌جا که حجم مقالات رسیده گنجایش بیش از یک مجله را داشت و از سوی دیگر در سه سطح مذکور ارائه شده بود، تصمیم گرفته شد که مقالات در سه مجلد چاپ و منتشر گردد. گفتنی است که چون شماری از مقالات دریافت شده از نظر داوران محترم دارای درجه‌ی علمی-پژوهشی بود، مقرر گردید که مقالات مذکور در مجله‌ی علمی پژوهشی تایخ فلسفه وابسته به بنیاد اسلامی حکمت صدرا نیز جداگانه چاپ شود که بدین‌وسیله از مسئولان آن مجله‌ی وزین به ویژه سردبیر محترم آن تشکر و قدردانی می‌شود. افزون بر کار بررسی مقالات رسیده، تصحیح و تحقیق آثاری از حکیمان این حوزه و نیز نگارش کتاب‌های جداگانه درباره‌ی فعالیت‌های فلسفی این دوره و معرفی حکمای اصفهان، در دستور کار دبیرخانه‌ی همایش قرار گرفت.

آن دسته از آثاری که امیدواریم برای این همایش انتشار یابند، از این قرارند:

شرح التائیه الکبریٰ صائن الدین علی ابن التکره اصفهانی، الشوارق ابوالحسن قاتنی کاشانی، الافق المبین میرداماد، رساله الايقاظات فی خلق الاعمال میرداماد، خطفات القدس میر سید احمد علوی، الکلمة الطیبة فیاض لاهیجی، شرح فارسی تهذیب المنطق فیاض لاهیجی، بیان الاسرار (در شرح مصباح الشریعه) شیخ حسین زاهدی، مجموعه رسائل فارسی ملا اسماعیل خاتون آبادی، شرح العرشیه ملا اسماعیل واحد العین، ساقی نامه‌ی ابوطالب فندرسکی، سیر تحول حوزه فلسفی اصفهان از ابن سینا تا ملاصدرا، مکتب فلسفی شیراز، مکتب فلسفی اصفهان، فرهنگ اصطلاحات کلامی فیاض لاهیجی، جریان های فکری حوزه علمیه اصفهان، دیدار با فیلسوفان سپاهان، مکتب فلسفی اصفهان از دیدگاه دانش پژوهان.

البته این گامی است نخست در معرفی میراث حکمی و معنوی تشیع؛ و از آن جا که انتشار این حجم از آثار به جای مانده، کار و برنامه‌ی موسعی را می‌طلبد، تصمیم بر این شد تا قلمرو منشورات نخستین همایش مکتب فلسفی اصفهان، به آثار حکمای عصر صفوی از میرداماد تا حکیم خواجه‌ی اختصاص یابد. این مجال که به لطف و عنایت حق و حسن توجه تنی چند از محققان و فضالی گرانقدر و شماری از نهادها و مراکز و مؤسسات دینی و پژوهشی فراهم شد، به مثابه‌ی آغاز راه و طلیعه‌ی عرصه‌ای است سرشار از ذخائر علمی و معنوی.

امید آن که بتوانیم با استعانت از توفیقات پروردگار حکیم و مساعدت‌های مسئولان فرهنگی کشور و کلیه‌ی علاقمندان به احیای حکمت اصیل شیعی، گام‌های بعدی و مؤثرتری را در خصوص احیای آثار سایر حکمای اصفهان برداریم.

گروه فلسفه‌ی دانشگاه اصفهان به عنوان برگزارکننده‌ی این همایش، با سپاس از الطاف ایزد بی‌همتا، از کلیه‌ی شخصیت‌های حقیقی و حقوقی، مسئولان اجرایی، اساتید و دانشجویانی که ما را در هر چه بهتر برگزار شدن همایش، امور اجرایی آن، چاپ و نشر آثار و سایر موارد یاری نمودند، صمیمانه تشکر و قدردانی می‌نماید.

#### ۱- اعضای شورای سیاست‌گذاری:

آقایان آیت الله حاج سید محمد خامنه‌ای، حجه الاسلام و المسلمین دکتر عبدالحسین خسروپناه، حجه الاسلام والمسلمین حاج شیخ حسن مظاهری، دکتر محمد حسین رامشت، دکتر محمد بیدهدنی،

دکتر حسین کلباسی، دکتر سید مرتضی سقائیان نژاد، دکتر مهدی جمالی نژاد، دکتر احمد علی فروغی، دکتر محمد فضیلتی، مهندس مصطفی بهبهانی، سردار کریم نصر اصفهانی، مهندس علی کلباسی.

۲- اعضای کمیته‌ی علمی (به ترتیب الفبا):

آقایان دکتر محمدعلی اژه‌ای، دکتر مهدی امامی جمعه، دکتر مرتضی حاج حسینی، دکتر مهدی دهباشی، دکتر علی ربانی، دکتر جعفر شانظری، دکتر مجید صادقی، دکتر محسن محمدی فشارکی، دکتر محمد مشکات، دکتر اصغر منتظر القائم، دکتر سید علی اصغر میرباقری فرد، دکتر حامد ناجی اصفهانی، حجه الاسلام و المسلمین حاج شیخ مجید هادی زاده.

۳- ریاست محترم مرکز مطالعات و پژوهش‌های شورای اسلامی شهر اصفهان جناب آقای مهندس بهبهانی که از حامیان اصلی برگزاری همایش بوده و چاپ سه جلد مجموعه مقالات همایش را نیز بر عهده گرفتند، صمیمانه تشکر می‌نمایم.

۴- دانشگاه‌هایی که در شهر اصفهان حق‌التحقیق صاحبان آثار و منشوراتی که به چاپ خواهد رسید را به عهده گرفته‌اند:

الف) دانشگاه آزاد اسلامی واحد خوراسگان ب) دانشگاه پیام نور استان اصفهان. بدین‌وسیله از رؤسای محترم، معاونین پژوهشی و سایر مسئولان این دو دانشگاه قدردانی و تشکر می‌نمایم.

۵- جناب آقای سعید محمدی دبیر کمیته‌ی اجرایی و نیز دبیر مرکز مطالعات و پژوهش‌های شورای اسلامی شهر اصفهان.

۶- سرکار خانم فریده کوهرنگ بهشتی مسئول دبیرخانه‌ی همایش و نیز سایر دانشجویان گروه‌های فلسفه و الهیات (فلسفه و کلام اسلامی).

علی کرباسی زاده اصفهانی  
دبیر علمی نخستین همایش  
بین‌المللی مکتب فلسفی اصفهان

## فهرست

### دکتر زهرا اخوان صراف

تحلیل و بررسی دیدگاه مجلسی دوم درباره فلسفه و حکمت ..... ۱۱

### دکتر محمد حسن ادریسی

اهمیت شعر و شاعری در عصر صفویه ..... ۳۹

### دکتر فتحعلی اکبری

وحدت دین و فلسفه در حکمت متعالیه ..... ۵۹

### دکتر سید مهدی امامی جمعه

آفاق هرمنوتیکی حکمت متعالیه و رسالت اجتماعی، فرهنگی ملاصدرا ..... ۶۹

### دکتر فرزاد بالو/ دکترمهدی خبازی کناری

نگاهی تطبیقی به مشرق الانوار میرداماد و مخزن الاسرار نظامی ..... ۸۷

### دکتر اعظم رجالی

سیر عرفان در اصفهان از قرن دوازدهم تا عصر حاضر ..... ۱۰۵

### دکتر فروغ السادات رحیم پور

نمود بینش و منش شیخ بهایی و مجلسی (دوم) در رسایل اعتقادی ایشان ..... ۱۲۹

### دکتر محمود زراعت پیشه

نقد و بررسی تقسیم سه گانه حمل نزد میرداماد ..... ۱۵۳

### دکتر علی اکبر زمانی نژاد

درسهای اخلاقی و عرفانی آقا حسین خوانساری ..... ۱۷۱

### دکتر شهناز شایان‌فر

مختصات عرفان راستین نزد فیض کاشانی ..... ۲۰۳

### دکتر غلامحسین شریفی ولدانی

رشحه ای از سحاب (بررسی تأثیرپذیری سحاب اصفهانی از شعر عهد صفوی) ..... ۲۱۵

### دکتر عبدالله صلواتی

انواع انسانی نزد ملاصدرا و فیض کاشانی ..... ۲۳۱

### دکتر سید صدرالدین طاهری

اصول بنیادین نظریه ی ملاصدرا درباره ی معاد جسمانی از دیدگاه فلاسفه ی مکتب اصفهان ..... ۲۴۳

### حجه الاسلام و المسلمین احمد عابدینی نجف آبادی

بررسی حرکت، در جواهر مجرد ..... ۲۶۳

### دکتر سیداحمدعقیلی

سیرتاریخی مکتب فلسفی اصفهان از سقوط صفویه تا برآمدن قاجار ۱۱۳۵-۱۲۱۰ق ..... ۲۷۷

**دکتر غلامحسین عمادزاده**

بررسی دیدگاه آقاحسین خوانساری به برخی از مبانی اصالت وجود صدرایی ..... ۳۱۱

**دکتر علیرضا فاضلی**

روش شناسی سید قطب الدین نیریزی در مباحث عرفان نظری ..... ۳۲۳

**دکتر علی کرباسی زاده اصفهانی**

نگاهی به احوال و اندیشه های علامه خاتون آبادی و معرفی رساله کشف الحیرت ..... ۳۳۷

**دکتر رضا ماحوزی**

تبیین ساختار هستی‌شناختی اعیان؛ گفتگوی تطبیقی حکمای مکتب اصفهان و فیلسوفان معاصر ..... ۳۵۵

**دکتر محمد مشکات**

فلسفه تکنولوژی بر مبنای صدرالمتألهین و از منظر هایدگر ..... ۳۷۱

**دکتر محمد مهدی مشکاتی**

تحلیل دیدگاه حکیم خواجهی در باره معاد جسمانی ..... ۳۹۹

**دکتر امراله معین**

تأثیر نگرش فلسفی کرین بر دیدگاه او در مورد اصفهان: مدینه ی تمثیلی ..... ۴۱۵

**دکتر حامد ناجی**

گذری بر زندگی پیترودلاواله ..... ۴۳۱

**دکتر سیما سادات نوربخش**

ملاصدرا و مبحث عالم مثال در فلسفه سهروردی ..... ۴۴۵

**دکتر سید حسین واعظی**

تحلیل و بررسی باب سوم از رساله زواهر الحکم (میرزا حسن لاهیجی) ..... ۴۶۵

نمایه عنوان مقالات ..... ۴۸۶



## گذری بر زندگی پیترودلاواله

حامد ناجی<sup>۱</sup>

### چکیده

با پیروی دولت صفویان و ورود مبلغان مسیحی به ایران، فصلی نو در گفتگوی بین اسلام و مسیحیت باز شد، که اوراقی بس بدیع را فراروی پژوهشگران تاریخ و ادیان و کلام فراهم آورده است. در این میان با ورود پیترودلاواله ایتالیایی در سال ۱۰۲۵ قمری، وی مبادرت به گفتگویی جدلی در اصفهان می‌نماید، که سپس خود او خلاصه‌ای از این گفتگو را به صورت رساله‌ای در نقد اسلام فراهم می‌آورد. این رساله کوچک، بزرگ حکیم و دین‌شناس بزرگ آن عصر، میرسید احمد علوی را بر آن می‌دارد که نقدی محققانه و مفصل بر آن بنگارد.

گفتار حاضر که بر اساس سندی تازه یافت شده از کتابخانه واتیکان در بازشناسی این گفتگو و بررسی درون مایه آن فراهم آمده، مبتنی بر دو بخش است، معرفی پیترودلاواله و عصر وی، و معرفی میرسید احمد علوی و بررسی درون مایه نقد وی بر دلاواله.

**واژگان کلیدی:** مسیحیت، اسلام، انجیل، قرآن.

## مقدمه:

وی در پانزدهم آوریل ۱۵۸۶ م در خانواده‌ای اصیل و مذهبی در شهر رم زاده شد، وی پس از آموزش علوم عصری و شوالیه‌گری در سال ۱۶۱۱ م با ناوگان اسپانیایی عازم شمال آفریقا شد و در پی شکست عشقی در آنجا به ناپل بازگشت و در طی مراسمی لباس زائرین را بر تن کرد و گردن‌بند متبرکی به گردن آویخت، و از آن پس لقب زائر(ایل پلگرینو *Ilypellegrino*) را به دنبال نام خود اضافه کرد. وی جهت فراموش کردن داستان عشقی خود، تصمیم به مسافرت به مشرق زمین گرفت، ابتدا در سال ۱۶۱۵ م به قسطنطنیه رفت و سپس به آسیای صغیر و بغداد و حله مسافرت نمود و پس از اندی در سال ۱۶۱۷ م مطابق با ۲۵ ذی‌الحجه ۱۰۲۵ ه.ق عازم ایران شد و به اصفهان، پایتخت صفویان، آمد، وی غرض از مسافرت خود به ایران و اصفهان را شرکت در لشکرکشی بر علیه عثمانی و واری احوال مسیحیان در اصفهان اعلام می‌دارد، که در پس از تأثیر رفتار شاه عباس با ارامنه اصفهان قرار می‌گیرد. وی در سال ۱۶۲۱ م اصفهان را ترک می‌کند و عازم شیراز و بازدید از تخت‌جمشید می‌گردد که در پی آن گزارشی دقیق تهیه می‌کند. وی پس از سفری طولانی از شیراز به هند و سپس به ایران و بصره، در سال ۱۶۲۶ م به ناپل بر می‌گردد و تا پایان عمر یعنی ۱۶۵۲ م در ایتالیا باقی می‌ماند.

دلاواله گزارشی مبسوط از سفرنامه خود را در سه بخش ترکیه، ایران و هند فراهم آورد، که در طی آن اطلاعات بسیار ارزشمندی از این مناطق را پیش روی خواننده خود قرار می‌دهد. (شفا، شجاع‌الدین، ص ۱۱-۱۹)

دلاواله در طی اقامت خود در اصفهان به نگارش اثری در دفاع از مسیحیت و ردّ مسلمانان می‌پردازد، وی در آغاز رساله آورده است: <sup>۱</sup> «رساله بَطرس دلاوالی بیک زاده از رومیه کبری (خ ریم پایا) به جانب خدام سیادت پناه میرمحمد عبد الوهابی در بعضی امور دین مسیحیان. بعد ما (کذا) بر ضمیر منیر مهر تنویر پوشیده و مخفی نماند که مدعیات ابن فقیر این است که چند روز قبل از این در دولتخانه ایشان به ملازمت مشرف شدیم، و جمعی طالب علمان در آن جانب (کذا) وارد شده بودند، با یکدیگر اتفاق صحبت افتاد از بعضی امور دین مسیحیان، و خصوصاً بالای سه باب سخن بسیار در میان آمد... ما بر جمیع این سه باب در آن وقت جواب

۱- نظر به آن که این سند تاریخی تاکنون چاپ نشده است و از دسترس اهل پژوهش دور مانده، نقل آن در این مقام ضروری آمد.

دادیم، و اما از سبب آن که در دولخانهٔ ایشان آن روز گفتار بسیار و بی‌ترتیب بودند، هر کسی حرف می‌زد، بی‌آنکه یکدیگر خوب بشنود. بنابراین همه آن جواب که آنگاه به زبان دادم، حالا خواستم نوشتن (کذا)، و درین کتابک به خدمت میر پیش آوردن تا که هم ایشان و هم دیگر مهمانها که آن روز در آنجا بودند، همه را آهسته آهسته بی‌قال و قیل و بی‌منع بخوانند و حقیقت حالات این جانب بهتر بتوانند فهمیدن، شفقت که می‌طلبم این است که از اول، تا آخر همه را بخوانند و به هر چه نوشته‌ام خوب فکر بکنند. و دیگر ایام دولت و سیادت مستدام باد. (نسخه خطی واتیکان، برگ ۱-۲)

بنابراین مقدمه و با توجه به ورود دلاواله در ایران و نقد علوی عاملی بر آن، این مناظره و نگارش در میان سال‌های ۱۰۲۵ ه.ق تا ۱۰۳۲ ه.ق اتفاق افتاده است.

و اما مسائل مورد گفتگو در این ماجرا عبارتند از:

۱- چرا ما محمد و قرآن را مثل تورات و سایر کتاب‌های انبیا قبول نداریم.

۲- اهل اسلام گویند، انجیل تغییر یافته و لذا حجیت ندارد.

۳- نگاه داشتن صورت [و تمثال] جایز نیست.

در پی طرح این سوال دلاواله ادله خود را عملاً چنین مدوّن ساخته است.

الف: چرا مسیحیان، قرآن را همچون سایر کتاب‌های انبیا قبول ندارند.

این امر به واسطهٔ چهار دلیل است:

۱- بنا به حکم انجیل، در کلام حضرت مسیح آمده است که پس از وی پیامبران دروغین خواهند آمد و ما این حکم را راجع به پیامبر اسلام جاری می‌دانیم، افزون بر آن سخن آن پیامبر مخالفت کتاب مقدّس است.

۲- تمام کتاب‌های پیامبران گذشته با هم، همخوان و دربردارندهٔ مضمون واحدند، حال آن که قرآن درصدد رفع تمام کلام گذشتگان است. عربان و ترکان درس ناخوانده به دنبال این کلام رفتند حال آن که مسیحیان درس خوانده که طالب دنیا نیستند، با آن مخالفند.

۳- پیامبر اسلام بر خلاف پیامبران گذشته طالب دنیا و زن<sup>۱</sup> و سلطنت بوده و دین خود را با شمشیر و ظلم گسترش داد.

۱- هم چنان که زن‌خواهی وی از سوره احزاب معلوم است.

۴- در قرآن حضرت عیسی پیامبر حقیقی دانسته شده، حال این خبر یا دروغ است و یا راست، اگر دروغ است که در قرآن دروغ راه یافته و قرآن قابل اعتنا نخواهد بود. و اگر راست است، پس راه حضرت عیسی (ع) باید رفت نه راه محمد(ص) را.

اشکال: اگر کسی گوید کلام محمد همان کلام عیسی است.

جواب گوئیم: رفتار محمد (ص) خلاف گفته عیسی است که مثلاً در فصل ۶۰ لوقا از تعدد زوجات نهی کرده است و همچنین از طلاق نهی کرده برخلاف گفته محمد.

ب: مسمانان گویند که انجیل و تورات تغییر (تحریف) یافته و لذا قابل اعتناء نیست. گوئیم:

۱- جهت این ادعا، یک انجیل و تورات درست بیاورید، حال که نمی‌توانید.

۲- اگر معلّمان مسلمانان گویند انجیل و تورات، در زمان‌های قبل تغییر یافته، چرا آنها یک نسخه صحیح نوشته‌اند که امروز عرضه کنند.

۳- چرا مسلمانان عامل تغییر و تاریخ آن را مشخص نمی‌کنند.

۴- انجیل‌های ۶۰۰ سال پیش از محمد که در دسترس ما است، با کتاب مقدس کنونی دارای هیچ تفاوتی نیست.

۵- ما قائلیم که پاره‌ای افراد چون انگلیسها، کتاب مقدس را درست تفسیر نکرده‌اند و ما تفسیر این «ملعونان» را قبول نداریم و این تفاسیر را در آتش انداخته‌ایم. (ص ۲۶)

۶- امروزه گروه‌های مسیحیان بسیارند و در صورت مراجعه به گروه‌هایی که از هم بی‌خبرند، شما هیچ تفاوتی در انجیل آنها نمی‌بینند، و این امر دقیقاً در صورت دانش به زبان‌های گوناگون، در میان ترجمه‌های مختلف انجیل قابل مشاهده است.

۷- تغییر کتاب الهی در نزد مسیحیان گناه عظیم است، حال چه شخص مسیحی‌ای قادر به این کار خواهد بود.

۸- در کتاب مقدس خبری از محمد نیست تا ما به او بگرویم.

ج: در نگاه داشتن صورتها

در این جا باید توجه داشت که:

۱- نگاهداری صورتها به معنی پرستش آنها نیست.

۲- ما از صورتها حتی مراد هم نمی‌طلبیم و تنها از خدا خواهانیم.

۳- نگاهداری صورتها در محراب جهت یادبود (یادگار داشتن) است.

- ۴- بنابر سفر عدد در عهد عتیق حضرت موسی صورتی از ماریالای یک صلیب ساخت<sup>۱</sup>. و یا سلیمان در بیت‌المقدس صورتهای بسیاری از فرشتگان ساخت.
- ۵- مسیحیان صور را می‌بوسند و به آنها احترام می‌گذارند و این از سر عزت و تواضع است و این دقیقاً همان رفتار مسلمانها در بوسیدن قرآن و عزت به آن است.
- ۶- نگاهداری صورتهای در موقع نماز موجب توجه است، و گویی صورتهای عملاً یک کتاب بی زبان هستند.

دلواله در پایان گفتار خود می‌نویسد: "عرض می‌کنم از دوست شما که بهر چه نوشتم از این سه باب مذکور، خوب فکر می‌کنید و آن دیگر میرزا را و ملّا را که آن روز در دولتخانه شما همراه ما مهمان شوند بنمائید و همه کس را که شما می‌خواهید این کتابک من بنمائید که عدالت ما بشنوید." (ص ۴۰)

و در پایان رساله چنین از خود یاد کرده است: الحقیق المقدس بطرس دلّوالی بیگزاده از ریم (کذا) پایا».

در پی نگارش نقد دلواله امیر سید احمد علوی به نقد وی پرداخته که پیش از نظر به درون مایه نقد وی اشارتی گذرا به زندگی وی خواهیم داشت.

### زندگانی میرسید احمد علوی

از زندگانی او گزارش کاملی تاکنون به دست نیامده است، و جز اشارات گذرایی که در تراجم موجود است مطلبی در دست نیست. از سال تولد او نیز اطلاع دقیقی موجود نیست؛ نسب کامل او بنابر آنچه که در «جامع‌الانساب»<sup>۲</sup> آمده است چنین می‌باشد: احمد بن زین‌العابدین بن عبدالله بن محمد بن صالح بن جعفر به احمد بن حمزه بن قاسم بن حسین بن ابی احمد عبدالله المشهدی بن محمد بن علی بن حسین بن محمد الطبان بن حسین بن ابی علی احمد بن محمد بن عزیزی بن حسین بن ابی جعفر محمد بن علی بن حسین الطواف بن ابی الحسن علی الخارص ابن محمد الدیباچ ابن الامام جعفر الصادق (ع)<sup>۳</sup>:

۱- که همین اشارتی به صلیب کشیدن مسیح بود.

۲- محمدعلی روضاتی، فهرست کتابخانه‌های اصفهان، ج ۱، ص ۱۵۸.

۳- معلم حبیب‌آبادی، مکارم‌الآثار، ج ۴، ص ۱۱۸۹.

اکثر اجداد او افراد برجسته و صاحب علم و فضیلتند، چنانچه جد اعلاى او محمد دیباج مشهور به سخاوت و شجاعت بوده، و او همان کسی است که بر علیه مأمون شورید و فرقه «جارودیّه» و «زیدیّه» برگرد او درآمدند.<sup>۱</sup>

دیگر حسین بن محمد الطبان از نسابه‌های مشهور است که پدر قاضی ابوطالب اسماعیل نسابه مروزی<sup>۲</sup> می‌باشد.

میرسید احمد ابومحمدالحسینی نیز مشهور به زهد، تقوی و فقاہت بوده است، چنانچه کتاب «فخری» در وصف او گفته است «السید الامام الزاهد الفقیه الواعظ جمال‌الدین ابومحمد الحسینی بن احمد الازورقانی<sup>۳</sup>». همو نیز در علم انساب سرآمد دوران خود بوده است، و اولین کسی است که از نسل امام جعفر صادق (ع) در مرو ساکن گردیده است.<sup>۴</sup> ابی‌جعفر محمدالاطروش معروف به سکان از اکابر علماء قم بوده است.<sup>۵</sup> ابی‌الحسین محمد مشهور به مامون که به جهت صباحت منظر مشهور به دیباج بوده، و عده‌ای از مشایخ همچون: محمدبن عمرو محمد بن مسلم از او نقل روایت نموده‌اند،<sup>۶</sup> و در سخاوت و زهد مشهور بوده است.<sup>۷</sup>

اما پدر صاحب ترجمه سید زین‌العابدین نیز از علمای بزرگ امامیه و مقیم جبل عامل بوده است،<sup>۸</sup> و در محضر محقق کرکی (م ۹۴۰) درس خوانده است، و پس از چندی مفتخر به مصاهرت ایشان گردیده است. صاحب ترجمه علاوه بر اینکه خاله‌زاده امیرمحمدباقر استرآبادی (م ۱۰۴۰) - مشهور به میرداماد - است مفتخر به مصاهرت استاد نیز بوده است.

تعدادی از تراجم که از وی نام برده‌اند<sup>۹</sup> وی را به فضل و علم و زهد و تحقیق ستوده‌اند، و لکن اطلاعاتی از خصوصیات احوال او نداده‌اند، القابی که برای ایشان در کتب موجود است

۱- سید جمال‌الدین میردامادی، مقدمه لطائف غیبیه، ص ۹.

۲- یاقوت حموی، معجم الادباء، ج ۶، ص ۱۴۲.

۳- سید جمال‌الدین میردامادی، همان جا.

۴- سید جمال میردامادی، همان جا و معلم حبیب‌آبادی، همان کتاب، ج ۴، ص ۱۱۹۳.

۵- ماخذ قبل.

۶- سید جمال میردامادی، همان جا.

۷- برای تفصیل شناسایی اجداد او بنگرید: مکارم الآثار، ج ۴، صص ۱۱۹۴-۱۱۸۸.

۸- سید جمال میردامادی، همان کتاب، ص ۶.

۹- افندی، ریاض العلماء، ج ۱، ش ۵۴، و حر عاملی، أمل الامل، ص ۶.

عبارتند از: «احمد المحققین»، «احمدالمجتهدین»، «احمدالفضلاء و المحققین» و «سید المحققین».

اساتید:

۱- امیر محمدباقر داماد- مشتهر به میرداماد از نوادگان محقق کرکی- صاحب ترجمه اکثر علوم را به نزد او فرا گرفت، چنانچه اجازه میرداماد به او حاکی از فراگیری معقول و منقول به نزد صاحب اجازه بوده است- همچون «قواعد» علامه، «شفاء» بوعلی و غیره- صاحب ترجمه تا آخر عمر به آراء استاد وفادار بود، و به شرح بعضی از کتب او پرداخته است.<sup>۱</sup>

۲- شیخ بهاء الدین عاملی- مشتهر به «شیخ بهایی»- صاحب ترجمه به نزد این استاد علوم منقول را حیازت کرده و از او اجازه‌ای گرفته است<sup>۲</sup>، و لکن پس از چندی کتابی بنام «النفحات اللاهوتیة فی العثرات البهائیة» نگاشته است و در آن آراء اختلافی خود و استاد را تبیین نموده است.<sup>۳</sup>

### درگذشت:

درگذشت مولف بنا به نقل صاحب «الذریعه» پس از سال ۱۰۵۴ و قبل از ۱۰۶۰ در اصفهان واقع شده است<sup>۴</sup>، و ظاهراً مستند این گفتار بیان مولی مطهرین محمد المقمادی است که در رساله «رد الصوفیه» از سید نام برده<sup>۵</sup>، و طلب مغفرت بر او نموده است، با توجه به اینکه نگارش این رساله به سال ۱۰۶۰ می‌باشد.

مدفن ایشان در تکیه «آقارضی» در اصفهان می‌باشد که دارای صورت قبر مشخصی نیست.<sup>۶</sup>

پاسخ‌های علوی عاملی بر شبهات دلاواله مسیحی

پاسخ ۱: در جواب از این شبهه تامل در دو مقام بایسته است:

الف: برخلاف ادعای نویسنده مسیحی، در موارد متعددی بر ظهور پیامبر اسلام بشارات گوناگونی آمده است.

۱- افندی، همان جا.

۲- افندی، همان جا.

۳- برای تفصیل مطلب بنگرید: محسن امین، اعیان الشیعه، ج ۹، ص ۴۰۸.

۴- شیخ آقا بزرگ تهرانی، الذریعه، ج ۸، ص ۱۹۸، و مصلح‌الدین مهدوی، تذکره القبور، ص ۱۲۲.

۵- شهاب‌الدین مرعشی نجفی، القول المسد، ص «ی».

۶- مهدوی، همان کتاب، ص ۱۴۷.

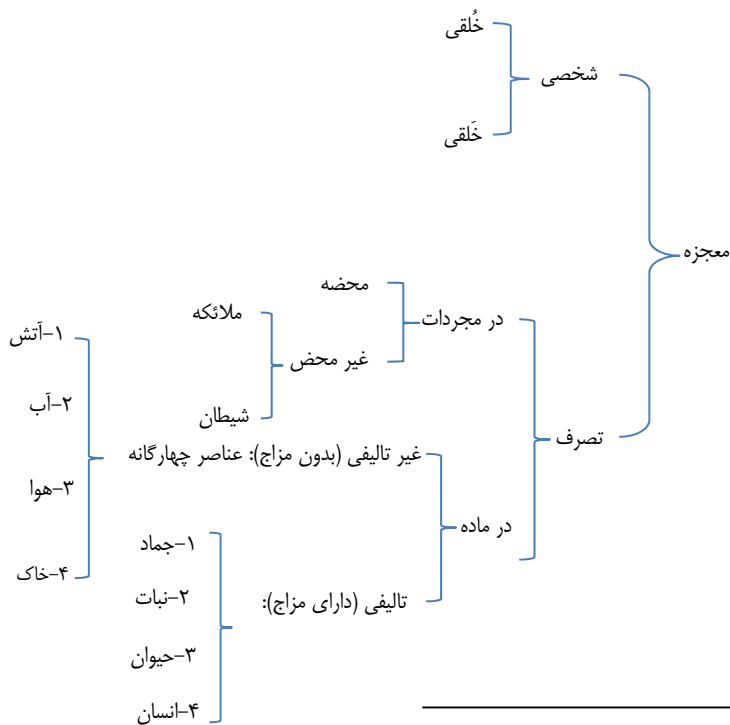
همچو: بشارات متعدّد بر انجیل مبتنی بر ظهور فارقلیط، ایلیا و پسر انسان<sup>۱</sup>. (علوی عاملی، ۲۳-۲۵)

و یا بشارات گوناگون تورات مبتنی بر ظهور پیامبر آخرالزمان از کوه فاران (عاملی، ص ۲۷)، یا «صهیون» (عاملی، ۳۳) است، و برخی از اوصاف وی همچون «راکب الجمل» مقیم نیست. لازم به ذکر است مدّعیان دروغینی پس از ظهور پیامبر اسلام، ادعای نبوت کردند و همین امر در مورد حضرت مسیح نیز جاری است، و این امر سبب نفی یک پیامبر راستین نمی‌گردد. تکمله: تثبیت ظهور یک پیامبر و تمییز وی از مدّعیان دروغین به واسطهٔ معجزه است، و این امر در پیامبر اسلام واقع شد، لذا به هیچ وجه شائبه کذب در دعوت وی مسموع نیست. (عاملی، ۳۴)

علوی عاملی با نگرشی بدیع در تعدّد معجزات پیامبر گفته است:

### ضمیمه مصقل

به تقسیم اولیه معجزهٔ نبی یا مربوط به اصل خلقت اوست (=شخصی) یا بعد از خلقت و نبوت (=تصرف). و جهت سهولت مطلب بقیه تقسیم را در جدولی قرار می‌دهیم.





عاملی در پی این تقسیم‌ها تمام موارد وقوع معجزه را نسبت به حضرت محمد(ص) صادق می‌بیند. او علاوه بر این معجزات به دو معجزه بزرگ دیگر نیز قائل است. معجزاتی که در بدو ولادت آن حضرت تحقق یافت، چون خاموش شدن آتشکده زرتشتیان، ریختن کنگره گاخ کسری و ...

قرآن یا معجزه جاوید بشریت. در بیان این معجزه عاملی با جوابگویی از شبهه‌های مخالفین و چگونگی معجزه ی قرآن و طرح فضیلت‌های نبوت حضرت محمد(ص) نسبت به سایر ادیان، با توجه به «امّیت» او، این بحث را خاتمه یافته می‌بیند.

پاسخ (۲): سخنان یک پیامبر چه بسا، منافات با شریعت قبل داشته باشد، و علت اساسی مخالفت یهود - افزون بر حس ریاست طلبی - با حضرت مسیح در زمان وی در واقع ظهور احکامی مخالف تورات، توسط وی بود (عاملی، ۵۰-۳۵) همچون نقض حکم قصاص توسط حضرت مسیح(ع) و یا نقض رجم و عدم جواز قسم که صد البته سرّ این مخالفت به تحریف شریعت قبلی و یا نسخ آن در شریعت لاحق به واسطه شرایط جدید است (عاملی، ۶۰)، بنابراین صرف ظهور احکام مخالف در یک شخص نافی نبوت وی نیست. پس با توجه به بیان فوق می‌توان نتیجه گرفت که کتابهای پیامبران گذشته و شرایع آنها به طور مطلق با هم همخوان نیست، افزون بر این اگر تمام این شرایع به طور کلی و جزئی با هم همخوان باشد، همه شرایع باید یکی باشند و شریعت عیسوی باید همان شریعت موسوی باشد، حال آن که نیست. تکمله (۱):

عدم جواز نسخ شریعت قبل توسط نبی قبل، مخالف مطالب نقل شده تورات درباره انبیاء بنی اسرائیل است زیرا:

- موسی(ع) حکم جواز نکاح دو خواهر را که در شریعت یعقوب بوده نقض کرده است.
- ۲- حضرت یوشع(ع)، حکم قتل را نقض کرده است.
- ۳- حضرت اشعیا(ع) حکم به خادم آن بیت المقدس باید از فرزندان لاوی باشد را نقض کرده است (عاملی، ۶۶، ۶۷)

تکمله (۲): سر اتباع از پیامبر اکرم ارزش دعوت وی و اقتران آن به معجزات بوده و ربطی به باسواد و بی‌سواد بودن مخاطبان ندارد.

پاسخ (۳) - پیامبر اکرم همچو سایر پیامبران، معرض از دنیا بوده است، و تأملی در تاریخ اسلام نشان می‌دهد که وی مشقتها و ناهمواری‌های زیادی را به واسطهٔ اعراض از متاع دنیا تحمل کرد.<sup>۱</sup> (عاملی، ۷۷-۸۱)

پاسخ (۴) - قرآن کریم دالّ بر نبوت حضرت مسیح است، ولی مسیح قرآنی همان مسیحی است که بشارت بر ظهور نبی آخرالزمان، یعنی محمد(ص) داده است. از این رو مسلمانان نه تنها مسیح را پیامبر دانند، بلکه عمل به بشارت او نموده و تابع حضرت محمد (ص) شده‌اند. (عاملی، ۸۹)

و اما از سویی دربارهٔ احکام خلافی شریعت مصطفوی با شریعت عیسوی همان گفتهٔ مسیحیان دربارهٔ تفاوت شریعت عیسوی با شریعت موسوی مطرح می‌گردد و لذا نقضی بر ساحت شریعت مصطفوی وارد نیست. (عاملی، ۹۲)

از سوی دیگر بنیاد تحریف نشده اعتقادی موسوی مغایر با معتقدات عیسوی و معتقدات مصطفوی نیست، و هم چنان که دین عیسوی پس از دین موسوی آمد. دین مصطفوی پس از آن آمده و جای اشکالی نیست، و خلاصه آنکه در بخش اعتقادات ادیان ابراهیمی هیچ خلافی نیست برخلاف بخشی از احکام آنها. (عاملی، ۹۰-۹۲)

تکمله: تعدد زوجات پیامبر که مکرر مورد نقد مبشر مسیحی قرار گرفته، هیچ نقضی بر ساحت پیامبر اکرم (ص) وارد نمی‌آورد. زیرا بنابر مضامین کتاب مقدس حضرت ابراهیم و برخی انبیاء بنی‌اسرائیل دارای همسران متعدد بوده‌اند. و به طور خلاصه تفاوت احکام دو شریعت الهی دالّ بر بطلان یکی نمی‌باشد. (عاملی، ۹۳-۹۷)

ب: کتاب مقدس از نظر مسلمانان

۱- انجیل حقیقی با عروج حضرت مسیح به آسمان مفقود گردید.

۲- اناجیل چهارگانه در پی درخواست مسیحیان از حواریون جهت بقای دین عیسوی، توسط حواریون تحریر شده است.

۳- انجیل‌های چهارگانه معتبر در نزد مسیحیان، با هم متناقضند، و حتی در می‌دانند. مرقس، کلمه خدایش می‌داند که حلول در جسد او می‌نموده. بعد از آن انسان گردیده باشد.

---

۱- مساله تعدد زوجات پیامبر نیز به هیچ وجه دلالت بر کامجویی دنیایی وی ندارد و هریک بر طبق مصالحی بوده، افزون بر آن که صرف تعدد زوجات دلالت بر دنائت طبع ندارد، همچون تعدد همسران حضرت سلیمان (ع).

لوقا، او را و مادرش که مریم است دو انسان می‌داند از گوشت و خون. بعد از آن روح‌القدس در ایشان دخول نموده» (عاملی، ۱۰۲)

تناقضات:

علوی عاملی به دو گونه تناقض در کتاب مقدس اذعان دارد:

الف: تناقض بین عهد قدیم - بخصوص سفرهای پنچگانه - و عهد جدید.

ب: تناقض بین انجیل‌های چهارگانه و رسایل عهد جدید.

در اینجا به صورت فهرست‌وار به موارد طرح شده در کتابهای او اشاره می‌نماییم.

الف:

۱- جواز طلاق بنابر تورات. (م: ۹۲ و ل: ۵۷، ۹۴)

۲- حرمت گوشت خوک و استر. (م: ۹۲، ۱۳۱ ول: ۵۸)

۳- حرمت شراب. (م: ۹۲، ۱۳۲)

۴- نجاست شراب. (م: ۹۲)

۵- وجوب غسل مس برخی از حیوانات. (م: ۹۲)

۶- جواز تعدد زوجات. (م: ۹۲)

۷- وجوب ختان. (م: ۹۲، ۱۰۳ ول: ۵۸)

۸- جواز خواستگاری. (م: ۹۲ ول: ۵۷)

۹- وجوب رجم زناکار و یاغی. (م: ۹۲، ۱۰۲ ول: ۵۱)

۱۰- وجوب قصاص. (م: ۱۰۳، ۱۰۴ ول: ۵۴)

۱۱- جواز قسم. (م: ۱۰۵ ول: ۵۰)

۱۲- نقض شنبه، و عید قرار دادن یکشنبه. (م: ۱۰۴، ۱۰۵ ول: ۵۶)

۱۳- چگونگی روزه. (م: ۱۰۴، ۱۳۰)

۱۴- حرمت ساختن تمثال و صلیب. (م: ۸۹)

۱۵- حرمت گوشت‌های متعفن. (م: ۱۰۴)

۱۶- نسب نامه حضرت مسیح با توجه به انجیل‌های چهارگانه و عهد قدیم. (م: ۹۵)

۱۷- سنّ انبیاء بنی‌اسرائیل. (م: ۸۸)

ب:

<sup>۱</sup> - رمز "م" اشاره به کتاب مصقل صفا و رمز "ل" اشاره به کتاب لواعم ربانی است.

- ۱- یحیی و غذای او. (م: ۱۱۱)
- ۲- برتری یحیی (ع) از هر کس. (م: ۱۱۰)
- ۳- آیا عیسی (ع) نبی آخر است؟ (م: ۱۱۱)
- ۴- بالاخره آیا کسی صالح است، یا نیست؟ (م: ۱۱۰)
- ۵- اغوای شیطان و ملکوتیت مسیح (ع). (م: ۱۱۴)
- ۶- نحوه وجود مسیح. (م: ۱۱۲)
- ۷- عدم جواز یا صحّت شهادت مسیح برای خودش. (م: ۱۱۵)
- ۸- چگونگی گرویدن شمعون پطرس و برادرش اندرواس به حضرت مسیح (ع). (م: ۱۱۴)
- ۹- مدح یا ذم پطرس! (م: ۱۱۲)
- ۱۰- پطرس بعد از بازداشت مسیح (ع). (م: ۱۱۰، ۱۰۷)
- ۱۱- مسیح و دختر بایرس. (م: ۱۰۷)
- ۱۲- مسیح (ع) واماته و احیای خود. (م: ۱۱۵)
- ۱۳- چه کسی صلیب را جهت‌دار کشیدن حمل نمود؟ (م: ۱۱۵)
- ۱۴- دزدان مصلوب و احوالشان با مسیح (ع). (م: ۱۱۵)
- ۱۵- توانایی مسیح (ع) در احیاء خود. (م: ۱۱۵)
- ۱۶- چند روز مسیح در قبر درنگ نمود؟ (م: ۱۱۶)
- ۱۷- زمان برخاستن مسیح از قبر. (م: ۱۱۶)
- ۱۸- مریم و بر سر قبر آمدن. (م: ۱۱۶)
- ۱۹- تصدیق یا انکار حواریون بر گفتار مریم! (م: ۱۱۷)
- ۲۰- پس از برخاستن از قبر کدامیک از حواریون برای اولین بار مسیح (ع) را دید، پطرس؟! (م: ۱۱۷)

عاملی در این رهگذر به یک نتیجه کلی می‌رسد، و آن عبارت از این است که نباید عهد جدید- و بخصوص انجیل‌های چهارگانه- را کلام الهی دانست؛ زیرا علاوه بر تناقضهای موجود در خود انجیلها، تناقضهای موجود بین عهد قدیم و اناجیل به طور صریح منافی این حکم انجیل است، زیرا که خود انجیل به نقل از حضرت مسیح (ع) بیانگر عدم تشریح حکم جدید و شریعت نو است؛ و از طرفی مگر بیان الهی قابل تعدّد است که این چندگونگی در انجیلها دیده می‌شود؛ بنابر این بدون هیچ مستمسکی برای عمل، آیا می‌توان دین حضرت مسیح (ع) را پاینده و جاوید دانست؟!

حال با توجه به این تناقضات نمی‌توان، انجیل‌های چهارگانه را کتاب الهی دانست، و اگر این چهار انجیل کتاب الهی نباشد بالتبع سایر کتابهای الحاقی عهد جدید نیز به طریق اولی کتاب الهی نیست (عاملی، ۱۰۶) و بنابر این تحلیل، چه عامل تحریف این کتابها معلوم باشد یا نباشد، و چه تاریخ این تحریف معلوم باشد یا نباشد، ضروری به اصل تحریف در انجیل‌های موجود نخواهد رساند و انکار این امر، عملاً همچو انکار یک امر بدیهی است. (عاملی، ۱۲۸)

افزون بر این باید توجه داشت که خود حواریون در نزد حضرت مسیح بنا به گفتهٔ اناجیل، افرادی کامل عیار نیستند و در مواضع گوناگونی از انجیل مورد عتاب حضرت مسیح قرار گرفته‌اند. (عاملی، ۱۲۹)

پس به طور خلاصه تحریف انجیل‌های چهارگانه نزد هر صاحب خردی مسلم خواهد بود. (عاملی، ۱۵۰)

علوی عاملی در پایان این مقال به نقد آموزهٔ تثلیث همت می‌گمارد و به تحلیل «پسر خدا» بودن حضرت مسیح همت می‌گمارد (عاملی، ۱۴۱-۱۴۷) و در پی این تحلیل، با فصلی تحت عنوان « ختام در شرفهای حضرت رسول اکرم (ص)» به بیان فضیلت‌های ویژه حضرت ختمی مرتبت در مقایسه با سایر انبیاء می‌پردازد و عملاً به بخش پایانی گفتار دلاوله (بخش ج) به هیچ وجه نمی‌پردازد.

### خلاصه:

بازرسی نقد علوی عاملی به صراحت می‌توان اذعان نمود که مبلغ مسیحی به هیچ وجه در نقد های خود کامیاب نبوده است، و عمدتاً نقد های وی بر اسلام به واسطه ی عدم آشنایی وی با تعلیمات اسلامی و تعصب ورزی در مجادلهٔ کلامی است.

### فهرست منابع:

۱. علوی عاملی، میر سید احمد، مصقل صفا، تصحیح حامد ناجی اصفهانی، قم ۱۳۷۳
۲. دلاواله، پیتر، رساله در نقد اسلام، خطی، کتابخانه واتیکان
۳. شجاع‌الدین شف، سفرنامه پیتر دلاواله، انتشارات علمی فرهنگی، تهران ۱۳۷۰